

## تأثیر آزاد سازی تجاری بر توزیع درآمد در ایران

ستار صادقی و محمدرضا زارع مهرجردی<sup>1</sup>

### چکیده

اثر آزاد سازی تجاری بر توزیع درآمد به عنوان یکی از بحث برانگیزترین مسائل در بین موافقان و مخالفان جهانی شدن مطرح بوده و پژوهش‌های بسیار زیادی در سطح جهان نیز اثرات جهانی شدن بر توزیع درآمد را مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین، نظر به اهمیت این مسأله، در این پژوهش با استفاده از روش هم‌جمعی یوهانسون جوسیلیوس و به کارگیری شاخص شدت تجاری (نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی) به عنوان معیاری برای جهانی شدن، رابطه بین این دو متغیر را براساس داده‌های سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۵۸ برآورد کرده ایم. همچنین در این مدل نرخ تورم، مخارج عمومی دولت، درآمد سرانه و درآمدهای مالیاتی را نیز به عنوان متغیرهای دیگر اثرگذار بر توزیع درآمد در نظر گرفته‌ایم. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که فرضیه کوزنتس در اقتصاد ایران تایید شده و نرخ تورم و درآمدهای مالیاتی با نابرابری درآمدی رابطه معکوس داشته، در حالیکه مخارج عمومی دولت با افزایش نابرابری ارتباط مستقیم دارد. در نهایت، جهانی شدن هم با وجود ساختار فعلی اقتصاد ایران باعث افزایش نابرابری شده و وضعیت توزیع درآمد را بحرانی تر خواهد کرد.

طبقه بندی JEL : B41, D31, F01

واژگان کلیدی: "توزیع درآمد، آزاد سازی تجاری، هم‌جمعی یوهانسون - جوسیلیوس"

### مقدمه

جهانی شدن بصورت یک نیروی مسلط در حاضر روابط مبتنی بر وابستگی متقابل ملت ها و دولت ها را شکل داده و فرصت ها و چالش های جدیدی را برای کشورهای مختلف از طریق آزاد سازی اقتصادی، سرمایه گذاری خارجی، گردش سرمایه، تبادل اطلاعات، تغییرات تکنولوژیک و ... ایجاد کرده است. جهانی شدن پدیده ای چند بعدی و قابل تسری در ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی، فن آوری و همچنین عرصه های دیگری چون محیط زیست است. (احمدی و مهرگان ۱۳۸۵). طبق تعریف بانک جهانی، پدیده جهانی شدن منجر به آزادی و توانایی افراد و بنگاهها در تعامل اختیاری در معاملات اقتصادی با شهروندان سایر کشورها می شود. شاید بتوان گفت رشد سریع و بی سابقه فعالیت های اقتصادی بین کشورها در سال های اخیر از پیامد های جهانی شدن است و گرایش کشورها به این پدیده، منجر به تاثیر پذیری اقتصاد تمامی کشورهای جهان اعم از موافق و مخالف شده است. بر این اساس، شناخت اثرات جهانی شدن جهت اجتناب از مضرات و بهره برداری از منافع

<sup>1</sup> . به ترتیب ستار صادقی دانشجوی کارشناس ارشد رشته اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان، محمدرضا زارع مهرجردی استادیار بخش اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان

آن ضروری است. توزیع درآمد از جمله متغیرهایی است که مطالعه در مورد تاثیر جهانی شدن بر آن الزامی بنظر میرسد. منظور از توزیع درآمد تشریح چگونگی سهم افراد یک کشور از درآمد ملی و میزان نابرابری درآمد در یک کشور می باشد. عوامل موثر بر توزیع درآمد دو دسته اند. دسته اول عوامل مربوط به خصوصیات شخصی افراد نظیر سن، تحصیلات، جنسیت و ... است و دسته دوم عواملی هستند که به ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه نظیر دولت، سطح اشتغال و تورم بر می گردند. در سال های اخیر تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای در حال توسعه مورد توجه خاص قرار گرفته است. در عرصه سیاست گذاری بنظر می رسد جهانی سازی تقارن و ملازمت بی نظیری با آزادسازی دارد. آزادسازی به طور خلاصه عبارت است از رها کردن اقتصاد از بسیاری از کنترل های اداري، مدیریت های استصوابی و تخصیص های غیربازاری، نمودهای آن نیز آزاد کردن تجارت خارجی، سرمایه گذاری و جریانات منابع مالی و سرمایه ای اقتصاد با خارجیان در فضایی کمتر محدود و مشروط شده است. (تدبیر اقتصاد. (۱۳۸۲). بر اساس پژوهش های انجام شده از یک نمونه ۶۴ کشوری، بین آزادسازی اقتصادی و جهانی شدن رابطه مستقیمی وجود دارد. وضرب همبستگی برای این دو متغیر در سال ۲۰۰۴ برابر با  $0.88R^2$  = محاسبه شده است که نشان می دهد آزادسازی اقتصادی می تواند معرف بسیار خوبی از جهانی شدن باشد. (جعفری و کرم ۱۳۸۴). با توجه به مطالب پیش گفته می توان تعریف زیر را به عنوان تعریفی جامع و دقیق از جهانی شدن بیان کرد: جهانی شدن فرآیند ادغام اقتصادهای ملی در یک اقتصاد فراگیر جهانی است که در آن، عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه)، تکنولوژی و اطلاعات آزادانه از مرزهای جغرافیایی عبور کرده و محصولات تولیدی (شامل کالا و خدمات) نیز آزادانه به بازارهای کشورهای مختلف وارد می شود. از ویژگی های اصلی این فرایند، اتکای بیشتر به نظام بازار، خصوصی سازی و آزادسازی در ابعاد مختلف آن شامل آزادسازی تجاری، بازارهای مالی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی است. توزیع درآمد در نظریه های اقتصاددانان اهمیتی ویژه داشته است. در این جا به برخی از نظرات اقتصاددانان درباره ی توزیع درآمد اشاره می کنیم. اسمیت در نظریه ی توزیع ثروت، توزیع برابر درآمد ملی در جامعه را هم به نفع کارگران و هم به نفع سرمایه گذاران می داند (تفضلی، ۱۳۸۳). ریکاردو بر این باور است که تولیدات جامعه بین عامل های سه گانه ی تولید یعنی زمین، نیروی کار و سرمایه به صورت اجاره به عنوان سهم زمین داران، دستمزد به عنوان سهم نیروی کار و سود به عنوان سهم سرمایه داران از تولید تقسیم می شود. از نظر وی چگونگی تخصیص درآمد ناشی از تولید بسیار مهم است و چگونگی تقسیم درآمد بین عامل های تولید در رشد و توسعه ی اقتصادی نقشی مهم دارد (موسوی جهرمی، ۱۳۸۴). کوزنتس بر مبنای مطالعاتی که از جوامع توسعه یافته بدست آورده چنین بیان می دارد که در اوایل روند توسعه ی اقتصادی، نابرابری در توزیع درآمدها افزایش می یابد زیرا کارگران فاقد مهارت و تخصص بوده و سطح دستمزدها پایین خواهد بود. با روند توسعه اقتصادی نابرابری ها تعدیل می گردد و توزیع به سمت عادلانه شدن میل می کند. با روند توسعه ی اقتصادی نابرابری ها تعدیل می گردد و توزیع به سمت عادلانه شدن میل می کند. به باور وی توزیع نابرابر درآمد در مرحله ی آغازین صنعتی شدن، روند توسعه ی اقتصادی را تضمین می کند. اگر جامعه به دو گروه فقیر و ثروتمند تقسیم شود، میل نهایی به پس انداز طبقات ثروتمند بیشتر از طبقات فقیر است و چون میل نهایی به مصرف در گروه های پایین درآمدی زیاد بوده، راهبرد توزیع عادلانه ی درآمدها جز افزایش تقاضا پیامد دیگری نخواهد داشت، اما از آنجایی که میل نهایی به مصرف در اقشار ثروتمند نسبت به اقشار فقیر پایین است، در نتیجه در این طبقات میل نهایی به پس انداز از مصرف پیشی می گیرد و پس انداز های یاد شده صرف سرمایه گذاری شده و در نهایت اشتغال و درآمد ملی افزایش می یابد که در واقع همان رشد و توسعه اقتصادی است. در مراحل میانی فرآیند توسعه اقتصادی بافت مهارتی و تخصصی نیروی کار دگرگون شده و به روی سطح دستمزدها تاثیر می گذارد و منجر به کاهش نابرابری گروه های درآمدی می گردد (تودارو، ۱۳۸۴). با توجه به اهمیت تامین نیازهای گروه کم درآمد، در انجام سیاست گذاری ها به طور عمومی توزیع درآمد از جمله دغدغه ها بوده است و به عنوان معیاری برای ارزیابی سیاست ها به حساب می آید. بنابراین بیشتر

مطالعه‌ها به دنبال ارزیابی سیاست‌های اقتصادی، توزیع درآمد را مورد توجه قرار می‌دهند. اکنون گسترش جهانی شدن با کاهش موانع تجاری و افزایش سطح تجارت و همچنین افزایش سرمایه‌گذاری خارجی بیان می‌شود (ما، ۲۰۰۳).

## ۲- مبانی نظری آثار آزادسازی بر توزیع درآمد

در تشریح چگونگی تاثیر آزادسازی بر توزیع درآمد و بازار کالا سه رویکرد اصلی وجود دارد. رویکرد اول نظریه نئوکلاسیک تجارت بین الملل (مدل استاندارد هکشر اوهلین) است که به فرض مهم وجود رقابت کامل در بازار کالا و تولید استوار است. این نظریه علت برقراری تجارت بین کشورها را وجود مزیت نسبی ناشی از اختلاف کشورها در فراوانی عوامل و نهاده‌های تولید می‌داند. از این رویکرد می‌توان در تبیین روابط تجاری بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته استفاده کرد. رویکرد دوم که به نظریه جدید تجارت بین الملل مرسوم است به تبیین روابط تجاری بین کشورهای با فراوانی عوامل مشابه می‌پردازد. برخلاف رویکرد اول، این رویکرد بر فرض وجود رقابت ناقص در بازار کالاها مبتنی است و در تبیین پدیده تجارت بین کشورهای توسعه یافته و تجارت بین صنایع کاربرد دارد. در رویکرد سوم که به رویکرد تغییر تکنولوژی مهارت‌گرا معروف است، تغییرات تکنولوژی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این بخش، اثرات آزادسازی تجارت بر توزیع درآمد را بر اساس این سه رویکرد مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۲-۱. مدل هکشر - اوهلین

مدل هکشر - اوهلین به عنوان مدل استاندارد تجارت بین الملل عامل اساسی و تعیین کننده مزیت نسبی کشورها را فراوانی نسبی عوامل تولید (زمین، منابع طبیعی، نیروی کار، و سرمایه) می‌داند. بنابراین کشوری که سرمایه نسبتاً فراوانی در اختیار دارد، در تولید کالاهای سرمایه‌بر تخصص یافته و به صادرات آنها اقدام خواهد کرد و در مقابل، کشوری که نیروی کار نسبتاً فراوان تری دارد، با تخصص یافتن در تولید کالاهای کاربر به صادرات آنها اقدام می‌نماید. بنابراین نظریه، کشورهای توسعه یافته در تجارت خود با کشورهای در حال توسعه کالاها و خدمات متکی بر سرمایه و نیروی کار ماهر را صادر و در مقابل، کالاها و خدمات متکی بر نیروی کار کم مهارت را وارد می‌نمایند. دو قضیه معروف از مدل هکشر - اوهلین به دست می‌آید که در ارتباط مستقیم و صریح با اثرات تجارت بر دستمزدها و قیمت عوامل دیگر تولید است. قضیه برابری قیمت نهاده‌ها و قضیه استالپر ساموئلسون.

### ۲-۱-۱. قضیه برابری قیمت نهاده‌ها

بر اساس قضیه برابری قیمت نهاده‌ها با وجود رژیم آزاد تجاری و با در نظر گرفتن فروض مدل هکشر - اوهلین قیمت عوامل تولید در بین کشورهای طرف تجاری یکسان خواهد شد. به عبارتی، تجارت آزاد بین المللی باعث برابری دستمزدهای واقعی نیروی کارهای یکسان و نرخ بهره‌های واقعی سرمایه‌های یکسان در دو کشور می‌شود، بنابراین، تجارت آزاد بسته به قیمت عوامل تولید در کشورهای طرف تجاری، توزیع درآمد را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

### ۲-۱-۲. قضیه استالپر - ساموئلسون

بر اساس قضیه استالپر - ساموئلسون، افزایش قیمت کالاهای داخلی به دلیل وضع تعرفه‌های بالاتر و یا حمایت‌های غیر تعرفه‌ای (نظیر وضع سهمیه) باعث افزایش قیمت واقعی نهاده‌ای خواهد شد. در نتیجه، تقاضا و به دنبال آن دستمزد نسبی نهاده‌ای که در صنایع جایگزین واردات شدت کاربری فراوان تری دارد، نسبت به نهاده‌ای که شدت کاربری کمتری دارد، افزایش می‌یابد. از آنجا که کالاهای جایگزین واردات از نهاده‌ای بیشتر استفاده می‌کنند که در کشور کمیاب تر است، با وضع تعرفه، قیمت نسبی این نهاده افزایش می‌یابد. بنابر مفاد این قضیه، آزادسازی تجارت در هر کشور تقاضا را برای نهاده تولیدی که نسبتاً در آن کشور فراوان تر است، افزایش داده و به دنبال آن، قیمت آن نهاده نیز بالاتر خواهد رفت. از آنجا که در کشورهای توسعه یافته نیروی کار ماهر و در کشورهای در حال توسعه نیروی کار غیر ماهر فراوان است، آزادی تجارت بین این دو گروه از کشورها، باعث افزایش تقاضا و دستمزد کارگران غیرماهر افزوده خواهد شد. در نتیجه، آزادسازی تجارت در کشورهای در حال توسعه بر خلاف کشورهای

توسعه یافته، نابرابری را کاهش خواهد داد. مبنای این قضیه آن است که تغییر در قیمت نهاده ها می تواند از تغییر در قیمت نسبی کالاها ناشی شود. با فرض اشتغال کامل هر دو نهاده، افزایش در قیمت نسبی یک کالا، افزایش واقعی نهاده ای را که با شدت بیشتر در تولید آن کالا به کار رفته است، به همراه داشته، در حالی که قیمت واقعی نهاده دیگر کاهش خواهد یافت.

## ۲-۲. نظریه جدید تجارت

امروزه بیشتر تجارت در بین کشورهایی با فراوانی عوامل مشابه و به صورت تجارت بین صنایع در کالاهای مشابه، اما ناهمگن است. برای تبیین این واقعیت نظریه جدید تجارت بسط یافته است. در کشورهای توسعه یافته، به طور کلی تولید کالاهای کارخانه ای به صورت رقابت ناقص بوده و تخصص یابی در آنها از طریق صرفه های ناشی از مقیاس به هزینه های تولید کمتر منجر می شود. بنابراین، با حذف موانع تجاری، انگیزه های صادرات زیاد خواهد شد. یکی از پیش بینی های این نظریه آن است که تجارت بین صنایع در بین کشورهایی بیشتر خواهد بود که درآمد، سلیقه و ساختار تولید مشابه داشته باشند که در این حالت نیز تجارت مفید خواهد بود؛ زیرا با افزایش مقیاس تولید هزینه های آن و بنابراین قیمت کالاها کاهش خواهد یافت؛ اما پیش بینی این نظریه نسبت به اثرات تجارت بین صنایع بر دستمزدهای نسبی مبهم است و تغییر در تقاضا و بنابراین دستمزد نیروی کار با مهارت بالا و یا پایین بستگی به این دارد که چگونه تولید برخی کالاها کاهش و برخی افزایش یابد. به هر حال مشخص است که جامعه همواره از قیمت های پایین تر و امکان مصرف بالا سود می برد و در این انتقال منابع به طور قطع گروهی دچار زیان خواهند شد. البته، به تازگی تغییرات تکنولوژی در دنیا به گونه ای بوده است که نشان می دهد در این انتقال منابع، کارگران ماهر بیشتر سود برده و کارگران غیرماهر ضرر می کنند. بنابراین، نابرابری درآمد در کشورهای توسعه یافته با افزایش تجارت بیشتر می شود.

## ۲-۳. تغییرات تکنولوژی مهارت گرا

یکی دیگر از روش های تاثیرگذاری آزادسازی تجاری بر توزیع درآمد و اشتغال، پیشرفت تکنولوژی است که برای به کارگیری آن در تولید نیاز به نیروی کار بسیار ماهر خواهد بود. با آزادسازی تجارت، کشورهای توسعه یافته که در تولید کالاهای سرمایه بر مزیت نسبی دارند، به تولید و صادرات این کالاها اقدام خواهند کرد که به استفاده گسترده تر از سرمایه در خط تولید نیاز خواهد داشت. این آزادسازی براساس درجه بالای مکمل بودن بین کارگران ماهر و سرمایه و نیز درجه بالای جانشینی بین نیروی کار غیرماهر و سرمایه، باعث افزایش تقاضا و دستمزد نیروی کار بسیار ماهر و کاهش تقاضا و دستمزد نیروی کار کم مهارت شده و بدین ترتیب شکاف دستمزدی بین کارگران بسیار ماهر و کم مهارت افزایش خواهد یافت؛ در نتیجه، نابرابری در این کشورها افزایش پیدا خواهد کرد. تکنولوژی های پیشرفته علاوه بر کشورهای توسعه یافته در کشورهای در حال توسعه نیز از عوامل تشدید نابرابری ها در بازارهای کار به شمار می رود. گونگی این امر را به طور خلاصه می توان این گونه بیان کرد که ابداعات و تغییرات تکنولوژی در کشورهای پیشرفته به سرعت به سوی تکنولوژی های مهارت بر حرکت می کند. در عین حال، تکنولوژی های قدیمی تر که می توانست نیروی کار با مهارت کمتر را به خدمت بگیرد به کشورهای در حال توسعه انتقال یافته که این امر شکاف دستمزدی در کشورهای در حال توسعه را نیز تشدید می نماید؛ زیرا این تکنولوژی ها برای این کشورها تکنولوژی مهارت بر محسوب شده و باعث افزایش تقاضا و بهره وری کارگران ماهر و کاهش تقاضا برای کارگران غیرماهر - که در این کشورها فراوانند - می شود و با افزایش نابرابری درآمد نیز بیشتر می شود.

## ۳- مطالعات انجام شده

ما (۲۰۰۳) نشان داد که میان جهانی شدن و توزیع درآمد در کره جنوبی رابطه ای وجود نداشته است. یافته های این تحقیق نشان داد که جهانی شدن اثر معناداری بر توزیع درآمد ندارد. بر اساس یافته های این مطالعه فرضیه ی کوزنتس تایید و نقطه ی عطف منحنی کوزنتس در دامنه ی درآمد سرانه ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ دلار آمریکا به دست آمد. مطالعه ی فیشر (۲۰۰۱) نشان داد که آزاد

سازی تجاری در کشورهایی که دارای زمین فراوان هستند منجر به افزایش نابرابری و در کشورهای سرمایه دار منجر به کاهش نابرابری می شود. همچنین یافته های پژوهش بهاسین و انیم (۲۰۰۵) نشان داد که حذف کامل تعرفه های وارداتی همراه با افزایش ۱۰۰ درصدی مالیات بر ارزش افزوده اثر مثبت بر توزیع گروههای مختلف دارد، اما حذف کلیه ی مالیات های صادرات و افزایش ۱۰۰ درصدی مالیات بر ارزش افزوده منجر به نامطلوب تر شدن توزیع درآمد در میان گروههای مختلف می شود. وو و وی نابرابری در چین را در راستای جهانی شدن مورد بررسی قرار دادند. آنها با استفاده از داده های مربوط به مناطق مختلف چین، شکاف درآمدی میان ساکنان شهری و روستایی در یک منطقه را مطالعه نموده و از معیار نسبت درآمد شهری به روستایی برای ۱۰۰ شهر و روستای چین در طول سال های ۱۹۹۳-۱۹۸۸ اسفاده نموده اند. یافته های آنها حاکی از آن است که شهرهایی که درجه باز بودن بیشتری را در تجارت تجربه کرده اند با کاهش بیشتری در نابرابری درآمد شهری - روستایی مواجه نموده اند. بدین ترتیب جهانی شدن به کاهش نابرابری های شهری - روستایی در کشور چین کمک کرده است. جونگ اون لی نیز به بررسی اثر جهانی شدن بر نابرابری درآمد در کشورهای اروپایی پرداخته است. مدل پانل وی شامل ۱۴ کشور اروپایی می باشد که طی دوره ۱۹۹۲-۱۹۵۱ تخمین زده شده است. در این مدل از سرمایه گذاری مستقیم خارجی و میزان شدت تجاری (تولید ناخالص داخلی / صادرات + واردات) به عنوان شاخص های جهانی شدن و از ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد استفاده شده است. طبق نتایج این مطالعه افزایش میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی نابرابری درآمدی را افزایش داده است. به نظر وی ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی به یک کشور ممکن است شرایط کارگران ماهر را بهبود بخشیده و گروههای پر درآمد ایجاد کند اما لزوما درآمد گروههای دیگر را کاهش نمی دهد. توان با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه، ارتباط بین آزاد سازی تجاری و توزیع درآمد را در بین گروههای خانوار مختلف در ویتنام بررسی کرده است. این کار با استفاده از یک مدل پویای چند بخشی و ماتریس حسابداری اجتماعی انجام شده است و شامل ۲۵ بخش و ۸ گروه خانوار می باشد. نتایج آزمون وی حاکی از آن است که بر اثر آزاد سازی تجاری، رفاه ملی تاثیر منفی پذیرفته است، به این صورت که تمامی گروههای خانوارهای روستایی از این پدیده متضرر و تنها سه گروه از چهار گروه خانوار شهری منتفع شده اند. نتایج مطالعه دوروش و سهن (۲۰۰۰)، درباره ی اثرات آزاد سازی تجاری بر روی توزیع درآمد در کشورهای کامرون، گامبیا، ماداگاسکارو نیجر نشان داد که آزاد سازی تجارت موجب بهبود توزیع درآمد می شود. یافته های بررسی موجری و خانداکر (۲۰۰۲) نشان داد که حذف تعرفه منجر به بهبود توزیع درآمد بویژه درآمد خانوارهای شهری می شود. برین و پنالوسا (۱۹۹۹) به بررسی نقش بی ثباتی اقتصاد کلان (انحراف استاندارد نرخ رشد تولید ناخالص داخلی) در نابرابری درآمد در کشورهای توسعه یافته و در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه طی زمان ۱۹۶۰-۱۹۹۰ پرداختند. آنها به این نتیجه رسیده اند که بی ثباتی بیشتر، ضریب جینی و سهم ۲۰ درصد بالایی از درآمد را افزایش و سهم بقیه ۲۰ درصدها را کاهش می دهد.

#### ۴- روش تحقیق

برای بررسی اثر جهانی شدن بر توزیع درآمد در ایران از شاخص شدت تجاری به عنوان جایگزین جهانی شدن و از ضریب جینی به عنوان شاخص جایگزین توزیع درآمد استفاده می کنیم. این امر با استفاده از مدل های هم جمعی و به روش یوهانسون - جوسیلیوس انجام می شود. به این منظور، ابتدا با معرفی متغیرهای الگو، الگوی مورد نظر را ارائه کرده و سپس با روش یاد شده و نرم افزار میکروفیت برآورد می کنیم.

#### ۴-۱ متغیرهای الگو

متغیرهای الگو شامل متغیرهای وابسته و مستقل است که متغیر وابسته شاخص نابرابری ضریب جینی و متغیرهای مستقل شامل درآمد سرانه، درآمدهای مالیاتی، نرخ تورم، نسبت مخارج عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی و شاخص شدت تجاری به عنوان جایگزین جهانی شدن است که هر یک را به اختصار توضیح می‌دهیم.

#### ۴-۱-۱ درآمد سرانه

یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در مورد تاثیر درآمد سرانه بر توزیع درآمد، فرضیه کوزنتس است. این فرضیه بیان می‌کند که یک ارتباط  $U$  شکل معکوس بین شاخص توزیع درآمد و درآمد سرانه وجود دارد. بعبارتی، در مراحل اولیه توسعه شکاف درآمدی افزایش و در مراحل بالاتر توسعه نابرابری کاهش می‌یابد. مبنای فرضیه کوزنتس این است که نسبت پس انداز به درآمد در گروه‌های درآمدی به طور متناسب افزایش می‌یابد. بدین ترتیب، جامعه در مراحل اولیه توسعه که به حجم بالای سرمایه‌گذاری نیاز دارد به ناچار باید درجه‌ای از تمرکز در درآمدها را بپذیرد تا بتدریج، پس از توسعه ظرفیت‌ها و افزایش منابع امکان اعمال سیاست‌های توزیعی فراهم شود. درآمد سرانه با تقسیم آمار تولید ناخالص داخلی حساب‌های ملی ایران به جمعیت ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران به دست آمد.

#### ۴-۱-۲ نسبت مالیات برمشاغل و ثروت به کل درآمد مالیاتی

مالیات‌ها، یکی از اجزای مهم سیاست‌های دولت در بهبود توزیع درآمد هستند. تمامی مالیات‌ها دارای اثر درآمدی هستند و به نحوی در توزیع درآمد تاثیر دارند. نکته حائز اهمیت این است که برخی از نتایج تاثیر مالیات بر توزیع درآمد بر مبنای تحلیل نظری استوار است. در حالی که در دنیای کنونی، به علت مشکلات مختلف انتقال مالیات، فرار مالیاتی و غیره نتایج عملی مشاهده شده اغلب با نتایج نظری و تئوری تاثیر بر توزیع درآمد متفاوت است. یکی از مالیات‌های موثر بر توزیع درآمد که قادر است نابرابری را تخفیف دهد، مالیات بر درآمد تصاعدی اشخاص است. اگرچه بیشترین بار این مالیات بر دوش افراد پر درآمد سنگینی می‌کند، اما در کاهش توزیع ناعادلانه درآمد موثر است، هرچه نرخ این نوع مالیات بیشتر باشد، به علت تاثیر نامساعد این نوع مالیات بر تولید، عرضه کار، پس انداز و غیره ممکن است نه تنها توزیع درآمد بهبود نیابد بلکه نابرابری را نیز افزایش دهد. بنابراین سیستم مالیات بر درآمد تصاعدی می‌تواند یک سیستم معتدل باشد. اگر مالیات بر درآمد شرکت‌ها تصاعدی تلقی شود و بار این مالیات بر صاحبان سهام تحمیل شود، می‌تواند نقش موثری در کاهش نابرابری درآمد ایفا کند، ولی اگر این بار مالیات به صورت افزایش قیمت، به مصرف‌کنندگان کالاهای تولیدی شرکت‌ها منتقل شود، در این صورت بر توزیع درآمد، تاثیر نامساعد خواهد داشت. مالیات‌های تنازلی دارای اثرات مساعد بر توزیع درآمد هستند در حالیکه مالیات تناسبی تاثیر چندانی بر توزیع درآمد نخواهد داشت البته باید توجه داشت مبنای مالیات بر درآمد می‌تواند نقش مهمی در تاثیر این مالیات بر توزیع درآمد داشته باشد چنانچه مبنای مالیات، درآمد واقعی افراد باشد، در این صورت این مالیات به خوبی می‌تواند نقش تثبیت‌کننده و تاثیر مثبت بر توزیع درآمد داشته باشد. در مقابل چنانچه مبنای مالیات، درآمد جاری باشد اثرات مالیات بر توزیع درآمد ممکن است منفی شود. علاوه بر مالیات که نام بردیم سایر مالیات‌های مستقیم مانند مالیات بر ثروت و دارایی و مستغلات، مالیات بر ارث، مالیات بر درآمدهای بادآورده و منافع سرمایه‌ای می‌توانند در کاهش نابرابری توزیع درآمد نقش مهمی ایفا کنند. مالیات‌های غیرمستقیم نقش کمتری در تغییر توزیع درآمد دارند زیرا این نوع مالیات‌ها اغلب طبیعت تنازلی دارند، در نتیجه بار بیشتر این نوع مالیات‌ها بر دوش افراد کم درآمد سنگینی می‌کند. بنابراین چنین مالیاتی ممکن است تاثیر نامطلوبی در توزیع درآمد داشته باشند. لذا

بسته به سیاست‌های اتخاذ شده در بخش مالیاتی ممکن است نابرابری کاهش یا افزایش یابد. این شاخص در این تحقیق بوسیله رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$STAX = 100 \frac{RTAX + WTAX}{TAX}$$

#### ۴-۱-۳ نرخ تورم

نرخ تورم بدلیل تاثیر بر وضعیت تخصیص و توزیع منابع، توزیع مجدد درآمد و انحراف منابع از تولید فعالیت‌های دارای رانت توزیع درآمد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تورم برای برخی از مردم به منزله مالیات و برای برخی دیگر نوعی یارانه تلقی می‌شود. این نوع تورم به افرادی که درآمد اسمی ثابت دارند (مانند کارمندان دولت، کارگران، حقوق‌بگیران، افراد بازنشسته و مستمیری بگیران) به شدت صدمه می‌زند و از قدرت خرید واقعی آنها می‌کاهد و به افرادی که دارای ذخایر دارایی‌های ثابت نظیر مسکن، زمین، جواهرات و جز اینها هستند، سود می‌رساند؛ زیرا قیمت این نوع دارایی‌ها در نتیجه تورم پیوسته و به سرعت افزایش می‌یابد و در مقابل افرادی که از این نوع دارایی‌ها ندارند، به دست آوردن آنها را همواره مشکل‌تر از گذشته خواهند یافت. بنابراین، تورم باعث تغییر توزیع درآمد به ضرر گروه‌های درآمدی ثابت یا حقوق‌بگیران می‌شود.

از سوی دیگر، نرخ بالای تورم تصمیمات بنگاه‌های تولیدی و مالی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. نرخ تورم بالا باعث می‌شود تا عاملان اقتصادی به جای افزایش درآمد از طریق افزایش بهره‌وری بنگاه در پی کسب رانت‌های ناشی از تورم باشند. سودآوری سرمایه ناشی از وجود شرایط تورمی نه تنها بر رفتار عاملان اقتصادی، که بر نحوه تخصیص بین زمانی منابع اثرات نامطلوبی دارد. در شرایطی که انحصارات و مراکز نفوذ و قدرت وجود داشته باشد و با تورم توأم شوند. سودآوری فعالیت‌ها و مشاغل غیر مولد و فعالیت‌های رانت‌طلبی افزایش می‌یابد. بنابراین، به جای تخصیص منابع به فعالیت‌های اشتغال‌زا- که می‌تواند نقش مهمی در بهبود توزیع درآمد ایفا کند- منابع به سمت فعالیت‌هایی سرازیر می‌شود که سود کلانی را نصیب افراد می‌کند، در نتیجه، توزیع درآمد بدتر می‌شود. آمار مربوط به نرخ تورم با استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده به سال پایه ۱۳۸۳ محاسبه شده است.

#### ۴-۱-۴ مخارج عمومی دولت

بسیاری از کشورها برای بهبود نابرابری درآمدی به ارائه خدمات مختلف از قبیل بیمه‌های بیکاری و تأمین اجتماعی به افراد نیازمند اقدام می‌کنند. در ایران نیز دولت سیاست پراخت یارانه را به طور مستمر اجرا می‌کند. همچنین، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و از جمله در ایران اندازه دولت بزرگ است و سهم قابل توجهی از شاغلان کشور در بخش دولتی مشغول به کار هستند. از آنجا که این شاغلان از حداقل درآمد برخوردارند، پرداخت‌های دولت بابت جبران خدمات آنها نقش مثبتی در بهبود توزیع درآمد موثر است. لذا، به طور کلی به لحاظ نظری مخارج عمومی دولت به عنوان تعدیل‌کننده نابرابری درآمد اثر قابل ملاحظه‌ای بر بهبود توزیع درآمد دارد. آمار مربوط به این متغیر از دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گرفته شده است.

#### ۴-۱-۵ شاخص شدت تجاری

این شاخص ساده‌ترین و معمول‌ترین شاخص اندازه‌گیری باز بودن تجاری است که عبارت از نسبت تجارت یک کشور (مجموع صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی آن است. مهم‌ترین مزیت شاخص شدت تجاری، سادگی محاسبه آن و در اختیار بودن داده‌های لازم کشورهای مختلف برای تولید ناخالص محاسبه آن در مطالعات بین‌کشوری و سری زمانی است. ایراد وارد به این شاخص نیز آن است که نماینده ناقصی برای سیاست تجاری است؛ زیرا علامه بر نوع سیاست تجاری انتخاب شده عوامل دیگری

نظیر مساحت کشور، موجودی منابع و نهاده‌ها، فاصله کشورها تا بازارهای جهانی و جز اینها نیز بر سطح تجارت یک کشور و در نتیجه، بر مقدار این شاخص اثر می‌گذارند. آمار این متغیر با استفاده از حساب‌های ملی ایران محاسبه و در مدل منظور شده است.

#### ۴-۲. ارائه الگو

با توجه به عوامل موثر بر توزیع درآمد که در قسمت قبلی تشریح شد الگوی توزیع درآمد به صورت زیر ارائه می‌کنیم:

$$G=f(Gdps, Gdps^2, Infl, Gr, Open, Stax)$$

که در آن، متغیرهای تولید ناخالص داخلی سرانه و مجذور تولید ناخالص داخلی سرانه بیانگر فرضیه کوزنتس است. بنابراین، انتظار علامت آنها به ترتیب مثبت و منفی است. پیش‌بینی در مورد علامت ضرایب دیگر به این صورت است که علامت نرخ تورم و بیکاری هر دو مثبت و علامت نسبت مخارج عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی (**Gr**) منفی باشد. علامت شاخص شدت تجاری (**Open**) نیز با توجه به نظریه استالپر-ساموئلسون منفی است.

#### ۴-۳. تخمین مدل

سری‌های زمانی، بیشتر تمایل دارند که هم جهت با یکدیگر حرکت کنند، علت این امر وجود روندی است که در تمامی آنها مشترک است. بنابراین، برآورد ضرایب یک الگو با استفاده از سری‌های زمانی ناپایا ممکن است به برآورد یک رگرسیون کاذب منجر شود؛ زیرا در متغیرهایی که از روند برخوردارند این گرایش مشاهده می‌شود که حتی در مواردی که یک رابطه اقتصادی معناداری بین آنها وجود ندارد، همبستگی شدیدی را نشان می‌دهند. روش سنتی رفع این مشکل ورود متغیر روند زمانی به عنوان متغیر مستقل در الگو است. اما این روش در شرایطی که روند زمانی متغیرها از نوع تصادفی باشند، با چالش روبروست. در این شرایط روش مناسب برای به متغیرهای پایا، به کارگیری تفاضل متغیرها در رگرسیون است. اما از آنجایی که بیشتر نظریه‌های اقتصادی رابطه بین سطح متغیرها را مدنظر قرار می‌دهند استفاده از تفاضل‌ها در برآورد ضرایب الگو به از دست رفتن اطلاعات ارزشمندی در مورد متغیرهای سطح می‌انجامد. (۱) راهکار رفع این مشکل، استفاده از روش‌های هم‌جمعی است که امکان برآورد رگرسیون بر اساس سطح متغیرهای سری زمانی را بدون هراس از کاذب بودن آنها، به وجود می‌آورد. از جمله روش‌های هم‌جمعی که استفاده گسترده‌ای در پژوهش‌های اقتصادی یافته است، روش هم‌جمعی یوهانسون - جوسیلیوس است. (۲) بنابراین، در این پژوهش از رویکرد یوهانسون - جوسیلیوس برای تعیین روابط هم‌جمعی استفاده می‌کنیم. به منظور برآورد روابط بین متغیرها در تمامی مراحل از نرم افزار **Microfit** استفاده کرده ایم. این روش تحلیل از یک سیستم آماری هماهنگ به صورت زیر آغاز می‌شود: (۳)

$$Y_t = A_1 Y_{t-1} + A_2 Y_{t-2} + \dots + A_p Y_{t-p} + u_t, \quad u_t \sim IN(0, \Sigma) \quad (2)$$

که در آن برداری از متغیرهای هم‌جمعی مرتبه اول و مرتبه صفر هستند و  $u_t$  بردار متغیرهای پایا شامل عرض‌مبدأ، روند و متغیرهای مجازی است.

در صورتی که:

$$\Delta Y = Y_t - Y_{t-1}$$

قرار دهیم یک الگوی تصحیح خطای برداری به شکل زیر خواهیم داشت:



$$\Delta Y_t = \beta_1 \Delta Y_{t-1} + \beta_2 \Delta Y_{t-2} + \dots + \beta_{p-1} \Delta Y_{t-p+1} + \pi Y_{t-p} + u_t \quad (3)$$

که در آن:

$$\beta_i = -(I - A_1 - A_2 - \dots - A_i), \quad i=1,2,\dots, (p-1) \quad (4)$$

و

$$\pi = -(I - A_1 - A_2 - \dots - A_p) \quad (5)$$

به دلیل آنکه  $u_t$  پایاست، رتبه ماتریس بلند مدت  $\pi$  تعداد ترکیبات خطی  $Y_t$  را که پایا هستند، تعیین می کند. در صورتی که  $\Gamma = n$  باشد، تمام متغیرهای بردار  $Y_t$  پایا خواهند بود. حال آنکه اگر  $\Gamma = 0$  باشد،  $\pi = 0$  می شود و هیچ بردار هم جمعی وجود ندارد. هنگامی که  $0 < \Gamma < n$  است،  $\Gamma$  بردار هم جمعی وجود دارد، یعنی  $\Gamma$  ترکیب خطی پایا از  $Y_t$  داریم. اگر این موضوع صادق باشد،  $\beta' \pi = \alpha$  است که در آن  $\alpha$  و  $\beta$  ماتریس های  $n \times \Gamma$  هستند. بردارهای هم جمعی  $\beta$  الگوهای تصحیح خطا در سیستم هستند و  $\alpha$  شامل پارامترهای سازگار است. تعیین تعداد بردارهای هم جمعی یا تعیین رتبه هم جمعی،  $\Gamma$  می تواند به وسیله آزمون حداکثر مقدار ویژه ( $\lambda_{max}$ ) و آزمون اثر ( $\lambda_{trace}$ ) بررسی شود. این مقادیر به صورت زیر برآورد می شوند:

$$\lambda_{max} = T \text{Ln}(1 - \lambda_{r+1}^*)$$

که در آن، گزینه مردود تعداد  $\Gamma = g$ ،  $(g=0,1,2,\dots)$  بردار هم جمعی شده را در مقابل گزینه ای که در آن  $\Gamma \leq g+1$  است قرار می دهد.

$$\lambda_{trace} = -T \sum_{i=r+1}^n \text{Ln}(1 - \lambda_i^*)$$

که در آن گزینه مردود  $\Gamma = g$  در برابر گزینه کلی تر  $\Gamma \leq n$  قرار دارد. بنابراین، با تعیین رتبه ماتریس  $\pi$  یعنی  $\Gamma$  در صورت وجود، بردارهای هم جمعی برآورد خواهند شد. در صورتی که بردار هم جمعی وجود داشته باشد، جمله تصحیح خطا (ECM) - که از رگرسیون هم جمعی به دست آمده است- باید در مورد ضریب جمله تصحیح خطا با یک وقفه (dECM) به کار گرفته شود. آماره  $t$  وجود علیت بلند مدت را نشان می دهد. پایایی

متغیرها در مدل های اقتصادسنجی از اهمیت زیادی برخوردار هستند؛ چرا که برآورد با متغیرهای ناپایا به رگرسیون کاذب منجر می شود. بنابراین، برای آزمون پایایی از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده می کنیم. نتایج مربوط به آزمون دیکی فولر تعمیم یافته در مورد متغیرهای الگو نشان می دهد که تمام متغیرهای الگو در سطح معناداری ۵ درصد جمعی از مرتبه (اول) هستند (جدول ۱).

جدول (۱) نتایج آزمون دیکی فولر- تعمیم یافته برای تعیین مرتبه جمعی بودن متغیرها "

متغیر	Gini	Gdps	Gdps <sup>2</sup>	Infl	Gr	stax	Open	Gini
آماره دیکی فولر- تعمیم یافته*	بدون روند	-۰/۸۷	-۲/۳۸	-۲/۱۵	-۲/۰۷	-۱/۸۲	-۲/۰۲	-۱/۰۹
	با روند	-۲/۶۴	-۲/۲۹	-۲/۱۷	-۲/۵۵	-۱/۵۸	-۲/۲۱	-۲/۸۵
متغیر		$\Delta Gini$	$\Delta Gdps$	$\Delta Gdps^2$	$\Delta Infl$	$\Delta Stax$	$\Delta Gr$	$\Delta Open$
آماره دیکی فولر- تعمیم یافته*	بدون روند	-۴/۵۳	-۳/۵۹	-۳/۸	-۳/۴۶	-۴/۲۲	-۶/۲۵	-۵/۱۸
	با روند	-۴/۵	-۳/۵۳	-۳/۷۴	-۳/۴۴	-۴/۱۹	-۶/۴۵	-۵/۱۱

"مأخذ: یافته‌های تحقیق"

همچنین، در روش یوهانسن- جوسیلیوس لازم است طول وقفه بهینه در الگوی Var تعیین شود. نتایج به دست آمده از معیار شوارز بیزین (SBC) تعداد وقفه های بهینه را برابر سه نشان داده است. در مرحله بعد، تعداد برداهای هم جمعی از طریق آماره های آزمون اثر و آزمون حداکثر مقدار ویژه به دست می آید. بدین منظور الگوی با عرض از مبدأ غیرمقید و بدون روند زمانی را در نظر می گیریم.

نتایج بدست آمده در جدول ۲، ارائه شده است

"جدول (۲) کمیت های آماره های برای تعیین تعداد بردارهای هم جمعی  $\lambda_{max}$  و  $\lambda_{Trace}$ "

فرضیه صفر	فرضیه مقابل	آماره	مقادیر بحرانی در ۹۵٪
$\lambda_{max}$			
$r = 0$	$r = 1$	۱۳۶.۳۹۱۷	۴۵.۶۳۰۰
$r \leq 1$	$r = 2$	۷۹.۶۰۵۸	۳۹.۸۳۰۰
$r \leq 2$	$r = 3$	۷۲.۴۴۴۹	۳۳.۶۴۰۰
$r \leq 3$	$r = 4$	۳۷.۷۲۵۸	۲۷.۴۲۰۰
$r \leq 4$	$r = 5$	۲۵.۳۹۶۵	۲۱.۱۲۰۰
$r \leq 5$	$r = 6$	۱۲.۰۹۷۰	۱۴.۸۸۰۰
$\lambda_{Trace}$			
$r = 0$	$r \geq 1$	۳۶۳.۷۸۲۰	۱۲۴.۶۲۰۰
$r \leq 1$	$r \geq 2$	۲۲۷.۳۹۰۲	۹۵.۸۷۰۰
$r \leq 2$	$r \geq 3$	۱۴۷.۷۸۴۵	۷۰.۴۹۰۰
$r \leq 3$	$r \geq 4$	۷۵.۳۳۹۶	۴۸.۸۸۰۰
$r \leq 4$	$r \geq 5$	۳۷.۶۱۳۸	۳۱.۵۴۰۰
$r \leq 5$	$r \geq 6$	۱۲.۲۱۷۳	۱۷.۸۶۰۰

"مأخذ: یافته‌های تحقیق"

همان طور که ملاحظه می شود، بر اساس آماره های یاد شده، در سطح معناداری ۵ درصد، تعداد پنج بردار هم جمعی برآورد می شود. نتایج برآورد این بردارها در جدول ۳ گزارش شده است. برداری که شرایط مورد انتظار در مبانی تتوریک را برآورده می کند، بردار دوم است. بردار نرمال شده این برآورد- که علامت ضرایب آن بر اساس به شکل زیر است:

$$Gini = -0.011 Infl + 0.833 \cdot 10^{-6} Gdps + 0.11586 Open + 0.388 Gr - 0.2290 E-8 Gdps^2 - 0.474 Stax$$

نتایج برآورد الگو به شرح زیر است:

نتایج  $Gdps$  و  $Gdps^2$  به گونه ای است که فرضیه کوزنتس را تأیید می کند، یعنی رابطه بین نابرابری درآمدی و درآمد سرانه به صورت U معکوس و براساس انتظار است. بیشترین مقدار این منحنی در درآمد سرانه ۱۸۱/۸۷ هزارریال است. تورم اثر منفی روی نابرابری درآمدی دارد. یک واحد افزایش در تورم ۰/۰۱۱ واحد ضریب جینی را کاهش می دهد.

مالیات برمشاغل و ثروت به کل درآمد مالیاتی با ضریب جینی رابطه معکوس دارند. افزایش یک واحدی در مالیاتها، ۰/۴۷ ضریب جینی را کاهش می دهد. افزایش سهم مخارج عمومی دولت نسبت به GDP باعث افزایش نابرابری درآمد می شود. یک واحد افزایش در این متغیر ۰/۰۳ ضریب جینی را افزایش می دهد. بنابراین ممکن است بتوان به طور ضمنی نتیجه گرفت که افزایش پرداخت های انتقالی دولت موجب بدتر شدن توزیع درآمد می شود. از سوی دیگر شاید بتوان گفت که بزرگ بودن اندازه دولت و سهم قابل توجه شاغلان در خدمت دولت باعث شده است تا نابرابری درآمدی افزایش یابد. در پایان، تاثیر متغیر شدت تجاری به عنوان معیاری برای آزادسازی تجاری و جهانی شدن رابطه مستقیم با ضریب جینی دارد. تعبیر چنین نتیجه ای آن است که جهانی شدن باعث افزایش نابرابری در اقتصاد ایران می شود. بنابراین، می توان بیان کرد جهانی شدن در کوتاه مدت و با وجود ساختار فعلی اقتصاد ایران، باعث افزایش نابرابری می شود و در بلندمدت، با توجه به چگونگی تغییرات می تواند توزیع درآمد را تحت تاثیر قرار دهد. البته حالت مطلوب از باب عدالت آن است که تغییرات به گونه ای اعمال شود که به کاهش نابرابری درآمد منجر شود.

"جدول (۳) برآورد بردار های هم جمعی به روش یوهانسن - جوسیلیوس با عرض از مبدا غیر مقید و بدون روند زمانی در VAR

	بردار اول	بردار دوم	بردار سوم	بردار چهارم	بردار پنجم
GINI	-0.118843 (-1/000)	-0.117209 (-1/000)	-0.087050 (-1/000)	-0.117810 (-1/000)	0.24868 (-1/000)
INFL	0.014394 (0.076391)	-0.0018985 (-0.011032)	-0.0038991 (-0.044792)	0.0012278 (0.0068940)	0.0037879 (-0.015232)
GDPS	-0.1834E-6 (-0.9733E-6)	0.1433E-6 (0.8329E-6)	-0.2822E-5 (-0.3242E-4)	0.3569E-6 (0.2004E-5)	-0.1747E-5 (0.7025E-5)
OPEN	-0.9811E-3 (-0.0052065)	0.019939 (0.11586)	-0.0062884 (-0.072239)	0.017502 (0.098269)	0.014250 (-0.057302)
GR	0.081823 (0.43424)	0.0066773 (0.038800)	-0.028598 (-0.32853)	-0.0018611 (-0.010449)	-0.12051 (0.48461)
STAX	0.036521 (0.19382)	-0.081595 (-0.47413)	-0.056061 (-0.64400)	0.037808 (0.21228)	-0.0091628 (0.036846)
<b>GDPS<sup>2</sup></b>	-0.6835E-9 (-0.3627E-8)	-0.3941E-9 (-0.2290E-8)	0.2968E-8 (0.3410E-7)	-0.2639E-9 (-0.1482 E-8)	0.1696E-8 (-0.6819E-8)

"مأخذ: یافته‌های تحقیق"

همچنین، نتایج برآورد معادله تصحیح خطا در مورد متغیر شدت تجاری در جدول ۴ گزارش شده است. همانطور که مشاهده می شود، ضریب جمله تصحیح خطا در سطح ۱۵ درصد معنادار است. این بیاگر وجود یک رابطه علیت بلند مدت بین متغیر شدت

تجاری و ضریب جینی در الگو است. اندازه این ضریب برابر ۰/۷۵- برآورد شده و به این معناست که در هر سال ۰/۷۵ از عدم تعادل دوره که به واسطه تغییر متغیر شدت تجاری در نابرابری درآمد به وجود آمده است در دوره بعد تعدیل می شود.

"جدول (۴) الگوی تصحیح خطا برای متغیر شدت تجاری بر پایه هم جمعی VAR(1)"

Regressor	Coefficient	Standard Error	T-Ratio[Prob]
Intercept	39.4858	9.0838	4.3469[.001]
ecm1(-1)	1.4494	.62187	2.3308[.042]
Ecm2(-1)	-.75979	.62187	-1.2218[.150]
Ecm3(-1)	3.9747	.62187	6.3915[.000]
Ecm4(-1)	2.2523	.62187	3.6217[.005]
Ecm5(-1)	-.12977	.62187	-.20867[.839]

"مأخذ: یافته‌های تحقیق"

## ۵. نتیجه گیری

در این مطالعه، اثر آزاد سازی تجاری بر توزیع درآمد در ایران را با استفاده از داده های سری زمانی و با روش هم جمعی یوهانسون- جوسیلیوس مورد بررسی قرار داده ایم. در برآورد کمی الگو، از متغیرهای نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی به ترتیب به عنوان شاخص های جایگزین جهانی شدن و توزیع درآمد استفاده کرده ایم. نتایج نشان می دهد که فرضیه کوزنتس در اقتصاد ایران تایید شده و نرخ تورم و درآمدهای مالیاتی با نابرابری درآمد رابطه معکوس دارند. در حالی که مخارج عمومی دولت با نابرابری درآمدی ارتباط مستقیم دارد. در نهایت، با افزایش نسبت تجارت به GDP ضریب جینی افزایش می یابد. این مطلب به این معناست که با وجود ساختار فعلی اقتصاد ایران همراهی با فرایند جهانی شدن با افزایش نابرابری همراه خواهد شد. این مساله با توجه به اجتناب ناپذیر بودن همراهی با فرایند جهانی شدن، به عنوان چالشی برای سیاست گذاران جلوه گر می شود و برای رفع این چالش انجام پژوهش هایی در این زمینه ضروری است. نتیجه ضمنی این پژوهش نیز این است که برای همراهی با فرایند جهانی شدن ضروری است با تکیه بر نتایج این قبیل پژوهش ها و شناخت چالش ها و مشکلات، راهکارهایی برای رفع آنها و افزایش منافع و کاهش زیان های آن برای جلوگیری از بروز بحران در کشور ارائه شود.

## منابع

- تفضلی ف. تاریخ عقاید اقتصادی، نشر نی. ۱۳۸۳.
- تودارو م. فرجاد غ. ۱۳۸۴. توسعه اقتصادی در جهان سوم. انتشارات کوهسار.
- جعفری صمیمی، احمد، (۱۳۷۱)؛ اقتصاد بخش عمومی ۲، چاپ اول، انتشارات سمت.
- جعفری صمیمی، احمد؛ کرم، سینا. (۱۳۸۴). جهانی شدن، شاخص ها و جایگاه اقتصادی ایران. تهران، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
- مالک م.م. (۱۳۸۴) جهانی شدن اقتصاد از رویا تا واقعیت، انتشارات کانون اندیشه جوان،
- موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. (۱۳۸۲). تبعات امنیتی اجرای آزادسازی در بستر جهانی سازی.
- موسوی جهرمی ی. ۱۳۷۵. توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، انتشارات پیام نور.
- نجارزاده، رضا و مهدوی راسخ، الهام، (۱۳۸۸). بررسی تاثیر جهانی شدن بر توزیع درآمد در کشورهای عضو گروه دی هشت، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۴، بهار ۸۹، ص ۸۷-۱۰۹.

- Milanovic, Branko, (2003); “Can We Discern the Effect of Globalization on Income Distribution?”, *world Bank*, Washington, development research group, pp.1-34.
- Mah, J. S. (2003). A note on globalization and income distribution-the case of Korea, 1975-1995. *Journal of Asian Economics*, 14: 157-164.
- Fischer, R. D. (2001). The evolution of inequality after trade liberalization. *Journal of Development Economics*, 66: 555-579.
- Bhasin, V. and Annim, S. K. (2005). Impact of Elimination of Trade taxes on Poverty and Income Distribution in Ghana. Working Paper.
- Wei, Shang Jin and Wu, Yi, (2002); Globalization and Inequality: Evidence from Intra-China.
- Lee Jong-Eun, (2006); “Inequality and Globalization in Europe”, *Journal of Policy Modeling* 28, pp. 791-796.
- Toan, N.M., (2004); “The Effect of Trade Liberalization on Income Distribution in Vietnam: Dynamic Computable General Equilibrium Approach”, *Economic Development and Policies Department*.
- Dorosh, P. A. and Sahn, D. E. (2002). A General Equilibrium Analysis of the Effect of Macroeconomic Adjustment on Poverty in Africa. *Journal of Policy Modeling*, 22(6): 753-776.
- Mujeri, M. K. and Khandaker, B. H. (2002). Impact of Macroeconomic Policy Reforms in Bangladesh: A General Equilibrium Framework for Analysis, project report of International Development Research Centre (IDRC).
- Breen R. and C. Garcia penalosa. (1999). “Income Inequality and Macroeconomic Volatility : an empirical investigation”.



## Impact of trade liberalization on income distribution in Iran

*Sattar Sadeghi , Mohammad reza Zare mehrjerdi<sup>1</sup>*

### Abstract

Effects of trade liberalization on income distribution as one of the most controversial issues raised in the pros and cons of globalization. And a lot of research worldwide, the effects of globalization on income distribution are examined. Therefore, considering the importance of this issue, in this study using the same method of mass deployment Johansson Jvsslyvs and trade intensity index (ratio of total exports and imports to GDP) as a measure of globalization, the relationship between these two variables based on data years 1387-1388 have been estimated. In this model, inflation, general government expenditures, per capita income and tax revenues as well as other variables affecting income distribution are considered. The model estimation results show that the Kuznets hypothesis is confirmed in the Iranian economy and the inflation rate and tax revenues had a negative correlation with income inequality, while public spending has a direct relationship between the increase in inequality. Finally, globalization despite the current structure of the Iranian economy Inequality has increased. And the status of the income distribution will become more critical.

**jel: B41, D31, F01**

**Key words: "income distribution, trade liberalization, both collectively Johansson - Jvsslyvs"<sup>1,2</sup>**

---

1. agricultural economics graduate student of University of shahid bahonar Kerman & Associate professor of Agricultural Economics University of shahid bahonar kerman, respectively.  
Ssadeghi2011@yahoo.com.